

اڤران: گاهواره‌ی آڤان

(نگارش: ۱۳۸۶-۱۴۰۳)

بخش سوم

ویسپویش، سال ۱، شماره ۴



آرمان آرین

به نام خداوندِ جان و خِرَدِ
کزین برتر، اندیشه برنگذرد»

«دین‌های باستانی»



- الف - ایزدان دیرین در سرزمین ما
- ب - مهرپرستان چگونه می‌اندیشیدند؟ (این شماره)
- پ - ایزد آب‌ها که بوده است؟
- ت - زُرَوان، نگاهبانِ دَمادَم زمان
- ث - دَساتیر و جهانِ ناشناخته‌ی آن
- ج - ادیانِ شاه-پیامبرانِ ایرانی چه‌ها بوده‌اند؟

ب. مهرپرستان چگونه می‌اندیشیدند؟

ما درباره دین‌های ایرانی پیش از آشو زرتشت، دانسته‌های موثق بسیار کمی داریم که شاید یکی از دلایل این کم‌اطلاعی، پاکسازی‌های مؤمنانه‌ای باشد که موبدان زرتشتی، همچون روحانیون اغلب ادیان، درباره آیین‌های پیش از خود، از جمله آیین مهر انجام داده‌اند.

میترا، مهر یا میتره، ایزد نگاهبانِ **روشنایی و پیمان** بود که برخی امروزه او را به اشتباه با خورشید، یکی دانسته‌اند اما او آن **گرگ‌ومیش** سپیده‌دمانی است که پیش از طلوع آفتاب در افق آسمان پدیدار می‌شود و پیشاهنگی برای شکافتن تاریکی و فرا رسیدن روشنایی به‌شمار می‌آید.^۱ بنابراین او نه تنها وظیفه‌ی نگاهبانی از لحظه‌ی سرآغاز روشنایی در برابر تاریکی را دارد بلکه محافظِ احوالِ پایانِ روشنی در هنگامه‌ی غروبِ هر روز نیز هست.^۲



کهن‌ترین نماد شیرخورشید ایرانی در کنار ایزد مهر



۱ اوستا - یَشت‌ها - مهر یَشت - بخش ۱۳

۲ همان - بخش ۹۵

او را «دارنده‌ی چراگاه‌های وسیع»، «فروکوبنده‌ی دروغ» و صاحب گردونه‌ای نورانی با اسبان تیزتکِ رَخشان می‌دانستند که سوار بر آن، گرداگرد زمین می‌چرخد و تبه‌کاران را مجازات می‌کند.^۳

معروف‌ترین نقش نمادینِ مهر در اروپا نیز همان است که به‌حالِ قربانی کردن یک گاو، خنجری در دست گرفته و اغلب یک مار، سگ، کژدم، شیر، زاغ و خوشه‌ای گندم نیز با تندیس‌ها و تصاویر او را همراه هستند. مطابق اساطیر، پس از ریخته‌شدنِ خونِ همین «گاو اوژن» مقدّس بود که آفرینش چهار عنصر و باروری هستی آغاز شد و با کوبیدن نیزه‌ی مهر بر صخره، چشمه‌ی آبِ جاودانگی فُوران کرد. تصویرپردازی این صحنه‌ها به اشکال گوناگون، به‌تمامی فرهنگ‌های کهن جهان از شرق تا غرب راه یافت و مهرپرستی را بسانِ نخستین کیش مؤثر و جهانی آریایی در تاریخ بشر، مطرح ساخت.

جشن ایرانیِ شب‌چله یا یلدا که طولانی‌ترین شبِ سال است، در اصل، شبِ تولد و زایشِ فرشته مهر [چه به معنای فکر متافیزیکی و چه فیزیکی و فصلی آن] دانسته می‌شود^۴ که به جوانه زدنِ صبح یکم دی‌ماه می‌انجامد و آغازی است دوباره برای بلند شدن روز و روشنایی در هر سال. این شب، با کریسمس مسیحیان تنها چهار روز فاصله‌ی تقویمی دارد که نشان‌دهنده‌ی تأثیرات آیین مهر بر برخی مسائل تقویمی و مناسکِ صدر آیین مسیحی در روم باستان است.^۵ همچنین از مهم‌ترین نمادهای برجا مانده از مهریان یعنی «چلیپا»^۶ یا نماینده چهار عنصر نیز بعدها در هنر و عقاید مسیحی و نقوش و کاشی‌کاری‌های اسلامی استفاده فراوان شده است.^۷

۳- همان - بخش ۳ و ۴ و ۶۷ و ۹۷

۴- زایش مهر در یک غار و از دل یک صخره را شاید بتوان استعاره‌ای از جهش نور و فروغ آتش از میان دو سنگ آتش‌زنه در دل تاریکی‌ها دانست. مارتین ورمازرن درباره این زایش می‌نویسد: «صخره‌ای آبستن شد و میترا متولد گشت...» (آیین میترا - ص ۹۱)

۵- گرچه در میزان این تأثیرات، تا حدّ زیادی اغراق شده چنان‌که برخی کوشیده‌اند کل دیانت مسیحی را تقلید و کپی از آیین میتراپی وانمود کنند که طبیعتاً عقیده‌ای افراطی و غیرتاریخی است. (آ.آ)

۶- صلیبی به شکل بعلاوه + و به نشانه‌ی چهار عنصر که گونه‌ای دیگر از صلیب شکسته‌ی کهن ایرانی است.

۷- تأثیرات آیین مهر افزون بر مسیحیت، آیین صابئی و مذهب تشیع اسلامی، در آیین‌های بعدی ایرانی نیز بسیار بود و ردّپای آن را می‌توان در آیین و فرّق زرتشتی، مانوی، ایزدی و... به وضوح پیگیری کرد.

آنگاه مهر، گاو نری را کشت و خون او را بر زمین افشاند. هر جا که قطره‌ای از خون او افتاد، سرسبز و بارور شد.»^۹

نام میترا در ریگ‌ودای هندوان نیز به‌عنوان یکی از ایزدان بزرگ و موکل آفتاب آمده که معمولاً با وارونا همراه است. البته از ۱۰۲۸ سرود ریگ‌ودا، تنها یکی از آنها مستقیماً خطاب به میتراست اما در باقی سرودهای این کتاب مقدس هندو نیز ۵۹ بار دیگر از نام وی یاد شده است.^{۱۰}

همچنین یکی از کهن‌ترین اسناد مکتوبی که مشخصاً با نام میترا به ما رسیده، الواح گلینی است متعلق به حدود ۳۴۰۰ سال پیش در بوئازکوی (ترکیه کنونی) که در پیمانی میان دو قوم هیتی و میتانی، به نام چند ایزد از جمله «میترا» سوگند یاد شده است.^{۱۱}

در کنار این پیمان‌نامه، می‌توان به فصل «مهر یشت» از یشت‌های اوستا اشاره کرد که پاره‌هایی بلند از باورهای باستانی مهرپرستان



آجرکاری چلیپایی

بنابراین باید گفت که بسیاری از عناصر بصری و آئینی مهری، «در مسیحیت به حیات خویش ادامه داد، چنان‌که لباس او نیز امروزه حتی به شکلی نمادین در پوشاک بابانوئل دیده می‌شود... یا رنگ ارغوانی و سرخ لباس کاردینال‌ها و کشیشان مسیحی، یادگاری از تشریفات مهری است.»^۸

«مهرپرستان معتقد بودند که ایزد مهر یک‌بار به صورت انسانی در غاری ظهور کرد و شبانانی که در آن مکان به چرانیدن گوسفند مشغول بودند، به وی ایمان آوردند.

۸- مقاله «پوشاک ایرانی ایزد مهر، نمادی شرقی در فرهنگ و تجلیات میترا در غرب - ابوالقاسم دادور و سیدعلی میرهادی - نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی - پاییز ۱۳۹۲ شماره ۳ - ص ۵۳

۹- سایت دائرةالمعارف طهور - مقاله‌ی «میترائیسم یا مهرپرستی در ایران باستان» - بخش «آئین میترائیسم».

۱۰- ریگ‌ودا - دکتر جلالی نائینی - ص ۱۲۰ مقدمه و ص ۲۷ و ۲۸ اصلی

۱۱- آیین میترا - مارتین ورمازرن - ص ۱۵

ایرانی را در خود به یادگار نگاه داشته است. مهر یشت، دهمین و طولانی‌ترین یشت اوستاست که بلندای آن، خود نشان از اهمیت این شخصیت مینوی، نزد مردمان قدیم فلات ایران دارد:

مهر، هزار گوش و ده‌هزار چشم پاک دارد تا هیچ ناپاکی نتواند از سلطه‌ی او بگریزد. او نیرومندترین فرشته و آفریده‌ی زیر فرمان اهورامزدا (خدای یکتا) است که با گرز آسمانی خویش، دیوان را نابود می‌کند. دیوان و بدکاران با دیدن صلابت او همگی می‌گریزند و پنهان می‌شوند تا چشم مهر بر آنها نیفتد.

همچنین مهر یکی از آن فرشتگانی است که راه بر تیر آرش گشودند تا به سفر دوردست خویش ادامه دهد و بر مقصد دوردست و تاریخی خویش بنشیند.

مهر، نگاهبان زورمند و چالاک است آراسته به زیورهای زرین که برفراز البرزکوه زندگی می‌کند و یک تنه، بسان ده هزار دیده‌بان، وظیفه‌مراقبت از همه آدمیان به ویژه خانواده‌های ایرانی را بر دوش دارد.

گردونه‌ی او بسیار زیبا و باشکوه است و به‌وسیله‌ی فرشتگان و اسبان نیرومند در آسمان کشیده می‌شود.

براساس تمامی این اسناد، می‌توان دست‌کم به وجود دو مهر / میترا پی بُرد:

یکی آن‌که مینوی و فرشته‌گون است و سر در موجودات مینوی و اساطیری دارد و شاید بتوان او را میترا/میتره نامید.

و دیگری که بسان انسان-پیامبری بوده و برخی برایش جسته و گریخته، سال و زمانی (زایش در دوران اشکانی) قائل شده‌اند و از برای تفکیک، شاید بتوان او را مهر خواند. صد البته دشوار بتوان به درستی این روایات پی بُرد ولی در عین حال، بعید است که این دو یکی باشند یا از تبدیل یکدیگر به دست آمده باشند.

مهر پیامبر، گویا «دین‌آوری است که ۶۰ سال پس از تاختن اسکندر گجسته (ملعون) به ایران زمین و ۳۰ سال پس از برپایی جهانشاهی اشکانی، دیده به دیدار جهان می‌گشاید. او آیینی نو را پایه می‌ریزد که در ایران گسترش و روایی می‌یابد.



نقش برجسته‌ی رومی از صحنه‌ی قربانی کردن گاو اوژن به دست میترا

مبنای علمی و دقیقی هنوز برای این سال‌ها مشخص نشده و تنها براساس برخی فرضیات بنا شده‌اند. برای آیین مهر، هفت پلّه‌ی تشرّف بود که شخص سالک باید آنها را طی می‌کرد تا به درجه‌ی هفتم و جایگاه پیر رسد:

۱. کلاغ
۲. همسر
۳. سرباز
۴. شیر
۵. پارسی
۶. پیک خورشید
۷. پیر / پدر^{۱۳}

سپس راه به قلمروی جهانشاهی روم می‌برد و آیین فراگیر و همگانی رومیان می‌شود.^{۱۲}

بنابراین علاوه بر فرشته‌ی مهر یا میترا، ظهور پیامبری به نام «مهر» در قرن چهارم پیش از میلاد تصور شده است که در آیین خود، توجه به میترا را برای عصر اشکانیان و مدتی حدوداً پانصد سال تازه نمود. تقویم آیین میتراپی (پیشازرتشتی و پیشاهخامنشی) ۷۰۰۰ ساله است، یعنی هم‌اکنون - در سال ۱۴۰۳ خورشیدی - گروهی به ۷۰۴۶ مهری و عده‌ای به ۷۷۶۳ میتراپی قائل هستند.

۱۲- مقاله «شب زایش مهر» - دکتر میرجلال‌الدین کزازی - روزنامه همشهری - پنج شنبه ۲۹ آذر ۱۳۹۷ - کد مطلب : ۴۱۶۶۲
 ۱۳- (آیین میترا - مارتین ورمازرن - ص ۱۶۷)؛ وجود مقام و نام پارسی در مرتبه پنجم مهرپرستی، نشان‌دهنده‌ی دو مطلب مهم است: نخست اینکه ریشه‌ی مهرپرستی رومی و اروپایی نیز در همان زمان، از ایران دانسته می‌شده و دیگر اینکه (پارسی، از مریدان باوفای خداوند محسوب می‌شده است.) (همان - ص ۱۸۲)

مراسم دیگری نظیر قالی‌شویان
 آردهال کاشان، پا برجاست.
 جشن مهرگان، نه تنها روزی برای
 بزرگداشت این فرشته نزد ایرانیان
 بوده بلکه به روایت‌های گوناگون، روز
 «آفرینش نخستین زن و مرد ایرانی»،
 روز «پیروزی آفریدون بر ضحاک
 ماردوش»، روز «تاجگذاری داریوش
 بزرگ هخامنشی» و جشن «برداشت
 کشاورزان» نیز محسوب می‌شد.
 در اهمیت این جشن همین بس که
 ایرانیان آن را با نوروز، هم‌سنگ
 می‌شمردند و برایش همچون هفت
 سین، سفره‌ای از «هفت‌میوه»
 می‌انداختند: ثُرنج، سیب، به، انار،
 عَنّاب، انگور سفید و کُنار. می‌گویند
 که در این جشن، قربانی‌های مجلّی
 می‌کرده‌اند و پادشاه زمان نیز، به
 رقص آیینی می‌پرداخته است. ۱۴



تندیس میترا در واتیکان
 (ساخته‌ی سده ۲ یا ۳ م)



در فرهنگ ایرانی، روز شانزدهم هر
 ماه و ماهِ نخستِ پاییز، به نام فرشته
 مهر نامگذاری شده و هر سال جشنی
 مذهبی-ملّی برای این فرشته‌ی
 نیرومند برگزار می‌شود که «مهرگان»
 نام دارد. از روایاتِ تاریخی برمی‌آید
 که این جشن از دوران هخامنشی تا
 امروز برقرار بوده و هم‌اینک نیز با نام
 مشخص مهرگان یا درهم‌تنیده با

۱۴- آیین میترا - مارتین ورمازرن - ص ۲۵

«مهر/میتراى سنگ‌زاد» را بسانِ میانجیِ دو جهانِ روشنائی و تاریکی (نیکی و بدی) می‌شناختند^{۱۵} که در انتهای عمر به آسمان عروج کرد و میتراپرستان را به ظهور خود در پایان جهان وعده داد. «غرض از آتش در دین میترا، کنایه به آتش‌سوزیِ جهان در روز آخر است. در انجامین روز جهان، رودخانه‌ای آتشیبار، جهان را به سوختن خواهد کشانید.»^{۱۶} اما مطابق وعده‌های مِهری، تنها یاورانِ راستینِ مِهر، از این آتش نجات خواهند یافت.

ادامه دارد...